

عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر

دکتر فتاح شریفزاده^۱*
جواد صدقی^۲

چکیده

امروزه مشارکت یکی از مفاهیم عمده و اصلی توسعه پایدار به شمار می رود. مدیران و برنامه‌ریزان شهری همواره سعی کرده اند تا با جلب مشارکت‌های مردمی به اهداف خود در زمینه اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها به بهترین نحو ممکن نائل آیند. این مقاله نیز در راستای همین هدف به بررسی عوامل مهم در زمینه مشارکت شهروندان پرداخته است و سعی شده است با شناسایی برخی عوامل مهم مسئولین شهری را برای تقویت آنها تشویق نماید. عوامل مورد نظر در این تحقیق عبارتند از: سودآور بودن فعالیت مشارکتی، اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، اطلاع رسانی و پاسخگویی مدیران شهری. نوع روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. به نظر می رسد با توجه به نتایج مشاهده شده در جامعه آماری، اگر مدیریت شهری بتواند از یک طرف فرهنگ مشارکت عمومی را گسترش دهد و از طرف دیگر در ساختار مدیریتی خود، مدیریت مشارکتی را اعمال نماید، بهتر بتواند به نتایج لازم از اهداف و برنامه‌های خود برسد. توجه به نیازهای شهروندان و دادن آموزش‌های لازم به آنان، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت شهروندان و برگزاری همایش‌ها و هم‌اندیشی‌ها، گسترش اطلاع‌رسانی به شهروندان، تقویت روحیه اعتماد بین مردم و پاسخگو بودن مسئولین شهری، از جمله راه کارهایی است که می توان با تقویت و تأکید بر آنها، زمینه مشارکت افراد در امور شهر را فراهم ساخت.

واژه‌های کلیدی: مشارکت شهروندان، اداره امور شهر، اطلاع‌رسانی، پاسخگویی، اعتماد عمومی

تاریخ پذیرش: ۸۸/۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۱۲

*۱- دانشیار گروه مدیریت دولتی و شهری دانشگاه علامه طباطبایی
E-mail: sharifzadeh@atu.ac.ir

(نویسنده مسؤول مکاتبات)

۲- کارشناس پژوهش‌های مدیریت

مقدمه

مشارکت هر چند مفهوم تازه ای نبوده و بشر همواره به مشارکت فزاینده روی آورده است، از نیمه دوم قرن بیستم این مفهوم با نگرشی نو به موضوعی کلیدی بدل شده است. این نوع مشارکت در برخی از کشورهای صنعتی جهان در قلمرو اقتصادی و صنعتی آغاز شد تا مردم را در مالکیت شریک سازد و پایه های اصلی و تداوم صنعت و اقتصاد را مستحکم سازد.

با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به تمام عرصه های زندگی، امروزه سخن از شرایطی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند. در این رابطه وسعت عملکرد و حوزه اختیارات شهرداری با اجرای ماده ۱۳۶، تعاملی وسیع و همه جانبه با مردم در حوزه های شهری را می طلبد و بدون شک مشارکت مردم و شهروندان از تمامی ائتشار و گروههای سنی، اصلی ترین عامل در راه موفقیت مواد قانونی و دستیابی به شهری ایده آل در تمامی زمینه ها می باشد.

روند روزافزون و رو به رشد تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در سطوح ملی و فراملی امروزه نقش محوری و مهم تشکلهای مردمی را در جوامع شهری پررنگ ساخته است. در حوزه مسائل شهری نیز کوچک شدن اندازه دولت- و به تبع آن شهرداریها موجب شده است که همیاری مردم درپیشبرد مسائل شهر و شهرنشینی به امری اجتناب ناپذیر تبدیل شود (مرادی، ۱۳۸۰، ص ۴۶).

امروزه جامعه ایران دارای بخش شهروندی گسترده ای است. این گستردگی حاصل تحولاتی است که در چند دهه اخیر در کشور صورت گرفته و حاصل آن غلبه میزان شهرنشینی بر روستائینی است. اما با وجود این تحولات و این که گروه بزرگی از مردم زندگی شهروندی یافته اند، هنوز اکثریت جامعه فاقد ستهای شهروندی است. سستی که خود باید با تکیه بر فرهنگ شهروندی پدید آید. نکته دیگری که دارای اهمیت است این است که با وجود پیش بینی هایی که در قوانین برای مشارکت مردم دیده شده است، هنوز این مشارکت به شکل واقعی صورت نگرفته است. برای مثال، هنوز طرح های جامع شهری به طور کامل از سوی مؤسسات و مهندسان مشاور تهیه می شود و در شرح وظایف مربوط به قراردادهای مهندسان مشاور تهیه کننده طرح جامع، نظرخواهی از مردم منظور نگردیده است. لذا هیچ گونه نظرخواهی از مردم انجام نمی شود (هاشمی، ۱۳۷۲، ص ۴۴).

در یک نگاه ساده، اصول آرمانی مدیریت شهری عبارتند از:

- ۱) تشویق و مشارکت مردم در اداره امور شهر
- ۲) آگاهی از نیازها و خواسته های شهروندان
- ۳) تلاش در جهت تمرکززدایی و حکومت به سوی واگذاری امور
- ۴) برخورداری از سازمانی ساده و تعداد اندک کارکنان ستادی
- ۵) اولویت و اهمیت قائل شدن برای گسترش فضاهای فرهنگی - اجتماعی
- ۶) آموزش فرهنگ شهروندی
- ۷) بهره‌وری و بهره‌گیری بهینه از امکانات
- ۸) تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار شهری

این اصول نشان می‌دهند که در مدیریت شهری نوین و درجهانی که به طور فزاینده‌ای به سمت شهری شدن گام برمی‌دارد، مشارکت مردمی جایگاهی رفیع دارد (علوی تبار ۱۳۸۲، ص ۸۹).

مشارکت مردم در امور شهر یکی از اهداف جوامع معاصر است. از آنجایی که افکار عمومی به این گونه امور حساس نیست، ضروری است تا ساز و کارهایی پدید آمده و ابزارهایی واقعی برای تسهیل این مشارکت به کار رود (نجاتی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳) دلایلی برای بیان وضعیت موجود ملاحظه می‌شود. یکی این که به طور کلی در ایران تشکیلات مرکزی بسیار نیرومند است و عموماً مردم معتقدند که اگر مسأله‌ای مربوط به هر سازمان عمومی وجود داشته باشد، تنها سازمانی که آن مسأله را حل خواهد کرد، تشکیلات مرکزی است. از این رو همه چیز از تشکیلات مرکزی مورد انتظار است. هرگاه مسأله‌ای وجود داشته باشد، توجه مردم به طور مستقیم به مقامات مسئول مرکز متوجه است.

به باور اندیشمندان، شهروندان به عنوان تأمین‌کنندگان اصلی هزینه‌های شهری (مالیات دهندگان) و به عنوان مجریان قوانین شهری باید در مورد آینده شهر خود با مسئولین مشارکت نمایند از آنجایی که بعد مشارکت مردمی در فرایند مدیریت شهری با مشکل و چالشی جدی روبه‌رو است و عدم شرکت بخش مردمی در امور مربوط به مدیریت شهر و نیز عدم علاقه مردم برای مشارکت در اموری که مربوط به خودشان است، مدیریت شهری را با مشکل بزرگی روبه‌رو می‌سازد. لذا این تحقیق به دنبال شناسایی آن دسته از عواملی است که با مشارکت شهروندان و جلب مشارکت آنها در عرصه عمل در ارتباط می‌باشد

تا با شناخت این عوامل و با تأکید بر روی آنها، بتوانیم از مشارکت شهروندان در امور شهر که بی گمان حیاتی ترین عامل در زمینه توسعه شهری است استفاده ببریم. به طور کلی، سوال کلی در تحقیق این است که کدام عوامل در جلب مشارکت شهروندان در اداره امور شهر موثر است.

این تحقیق در راستای تحقق بخشیدن به اهداف زیر انجام می گیرد: (۱) شناسایی عواملی که می توانند در افزایش مشارکت شهروندان موثر باشند. (۲) آشنا کردن شهروندان به حقوق و تکالیفشان در سطح شهر (۳) تشویق و افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهر

مبانی نظری و مرور ادبیات

تعریف مشارکت

مشارکت^۱ یکی از پیچیده ترین و بحث برانگیزترین موضوعات علمی و مدیریت است و با توجه به زمینه علمی آن تعاریف گوناگونی از آن به عمل آمده است. اما همه تعاریف دارای یک نکته مشترک هستند و جوهره اصلی مشارکت را شرکت، فعالیت و تأثیرپذیری می دانند. حال با پذیرش این جوهر، محمد علی طوسی تعریف زیر را برای مشارکت ارائه می دهد: «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیتهای گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسؤلیت کار شریک شوند» (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۵۴).

در این تعریف سه جزء مهم مورد ملاحظه قرار می گیرد:

(۱) درگیری ذهنی و عاطفی: در مرتبه نخست، مشارکت به معنی درگیری ذهنی و عاطفی بوده و تنها به کوششهای بدنی محدود نمی شود. در مشارکت خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و تواناییهای وی درگیر نیست. این درگیری روان شناختی است نه جسمانی. انسانی که مشارکت می کند، خود درگیر است و نه کار-درگیر.

(۲) انگیزش برای یاری دادن: شخص در مشارکت این فرصت را می یابد که از قابلیتها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدفهای گروهی استفاده نماید. از این رو

مشارکت با موافقت فرق دارد. مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم از پیش گرفته شده است. مشارکت یک دادوستد اجتماعی دوسویه میان مردم است. در واقع در مشارکت نقش اصلی با مشارکت کننده است که می کوشد تا توانایی‌های خویش را آشکار سازد.

۳ پذیرش مسؤولیت: مشارکت، اشخاص را برمی انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسؤولیت بپذیرند. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می یابد که بی تفاوتی و بی‌مسؤولیتی جای خود را به احساس وابستگی، سرنوشت و مسؤولیت مشترک بدهد.

در فرهنگ‌های مختلف لغات واصطلاحات، در برابر واژه مشارکت این معانی به کار رفته است: اشتراک‌مسابی^۱، توانمندسازی یا تواناسازی^۲، سهم‌شدن^۳، بسیج‌مردم^۴، مسؤولیت‌پذیری^۵، واگذاری امور^۶، خودگردانی^۷، تقسیم‌کار^۸، انسانی کردن^۹، خود یاری^{۱۰}، خود اتکایی^{۱۱} و عدم تمرکز^{۱۲} (دری نوگورانی ۱۳۶۹).

از نظر ساموئل پل (۲۰۰۱)^{۱۳}، مشارکت محلی^{۱۴} فرایندی است فعال که در آن بهره‌مندان به جای آنکه صرفاً سهمی از مزایای پروژه دریافت کنند، به جهت‌گیری و اجرای پروژه‌های توسعه تأثیر می‌گذارند. پل اهداف زیر را برای مشارکت قائل شده است:

۱) مشارکت در هزینه‌های پروژه

۲) افزایش کارایی و اثربخشی پروژه

۳) توانمند سازی بهره‌برداران از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی و فعالیت‌های

آگاهی بخش

۴) افزایش اختیار (بامبرگر، ۱۹۸۶)

-
- 1 - Collaboration
 - 2 - empowering
 - 3 - sharing
 - 4 - Mobilization
 - 5 - sponsorship
 - 6 - free-rein
 - 7 - self-management
 - 8 - division of labor
 - 9 - humanitization
 - 10- self-help
 - 11- self-reliance
 - 12 - decentralization
 - 13 - Samuel Paul
 - 14- community

کمیسیون اسکفینگتن^۱ مشارکت را چنین تعریف می کند: مشارکت به نظر ما سهیم شدن مردم و تدوین سیاستها و پیشنهادهاست. دادن اطلاعات از طرف مسئولان و امکان اظهارنظر در مورد آن اطلاعات به هر حال بخش مهمی از فرایند مشارکت به شمار می آید، اما تمام ماجرا نیست. مشارکت به اندازه گفتگو، اقدام را هم دربر می گیرد. مشارکت کامل فقط در جایی تحقق می یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرایند تهیه طرح بر عهده بگیرند. شری ارنشتاین^۲ مشارکت را در هشت سطح یا درجه مطرح کرده است: این هشت سطح بطور خلاصه از قرار زیر است:

اختیار ^۳ قدرت تفویضی ^۴ شراکت ^۵	}	- قدرت شهروندان
آرامش بخشیدن ^۶ مشاوره ^۷ اطلاع رسانی ^۸	}	- مشارکت جزئی
درمان ^۹ از مشارکت فریب کاری ^{۱۰}	}	- محرومیت

در پایین ترین درجه این طیف یعنی فریب کاری، مردم در هیأت‌های مشورتی مطیع قرار می گیرند. در بالاترین درجه که اختیار کامل شهروندان است، ساکنان واحدهای همسایگی تقریباً اختیار کامل دارند (برک پور، ۱۳۷۷، ص ۹۷).

1 -Skeffington commission
 2 -Sherry Arnstein
 3 -citizen control
 4 -Delegated power
 5 -partnership
 6 -placation
 7 -consultation
 8 -informing
 9 -Therapy
 10 -manipulation

الگوهای مشارکت

نگاهی استقرایی به الگوهای موجود مشارکت در جهان نشان می‌دهد که می‌توان این الگوها را بر حسب سه معیار متفاوت طبقه بندی کرد: یعنی بر حسب نوع مشارکت، زمینه مشارکت و سازماندهی مشارکت.

۱) بر حسب نوع مشارکت

با توجه به نوع مشارکتی که افراد در یک الگو دارند، می‌توان الگوهای مشارکت زیر را از یکدیگر متمایز ساخت:

۱-۱) مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت: به طور معمول وقتی مشارکت افراد در مدیریت یک سازمان مطرح شود، این مشارکت ممکن است در چهار حوزه تحقق یابد. نخست افراد ممکن است در تعیین هدف‌ها مشارکت کنند، دوم، آنان ممکن است در گرفتن تصمیمات شرکت جویند. یعنی از میان راه‌های گوناگون کنش به گزینش پردازند. سوم، ممکن است در گشودن دشواری‌ها شرکت کنند که این فرایندی است دربرگیرنده تعریف و تعیین موضوع‌ها و پدید آوردن راه‌چاره‌ها و گزینش از میان آنها. سرانجام، مشارکت ممکن است پدید آوردن دگرگونی در سازمان باشد (علوی تبار، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

۱-۲) مشارکتی در تأمین مالی هزینه انجام طرح‌ها: در کاربردهای مشارکت‌گاه منظور از مشارکت در کارها این است که افراد سعی کنند تا بخشی از بار مالی مربوط به انجام یک طرح را بر عهده گیرند، آنچه در عمل میزان پرداخت یک فرد در یک مورد خاص را تعیین می‌کند، نخست میزان تمایل اوست برای بهره‌مند شدن در قبال پرداخت وجه برای آن مورد خاص و دیگری قدرت و توان پرداخت او (همان منبع، ص ۲۷).

مدیریت شهری به عنوان متولی اصلی ارائه خدمات شهری، برای تأمین هزینه فعالیت‌های خود از پنج منبع اصلی استفاده می‌کند که عبارتند از:

الف) دریافت از دولت مرکزی و کمک‌های بلاعوض بخش دولتی

ب) دریافت عوارض و مالیات از شهروندان

ج) فروش اموال و دارایی‌ها و عواید متفرقه

د) فروش کالاها و خدمات تولید و عرضه شده توسط شهرداری‌ها

ه) دریافت وام‌های مختلف از منابع متفاوت

منبع دوم (درآمدهای حاصل از عوارض و مالیات) نقش اصلی را در تأمین درآمد شهرداری‌ها ایفا می‌کند و منابع دیگر کمتر به صورت قابل اطمینان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. مشارکت مردم در زمینه پرداخت عوارض بیش از منابع دیگر متجلی می‌شود (آقا عظیمی، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

۳-۱) مشارکت در تأمین نیروی انسانی: یکی از انواع مشارکت در اداره امور شهرها این است که افراد شهر نیروی انسانی لازم برای انجام یک فعالیت خاص را تأمین نمایند. در این وضعیت افراد نه در مدیریت کار و نه در تأمین مالی آن شرکت داشته‌اند، اما در مرحله اجرای آن با در اختیار گذاشتن نیرو و توان خویش به صورت داوطلبانه از هزینه‌های اجرایی آن کاسته و در عمل می‌کوشند تا طرح مورد توافق خود را به اجرا درآورند. میزان و توانایی یک شهر برای تأمین نیروی انسانی در اجرای برنامه‌های شهری به اندازه و ترکیب جمعیت، میزان اوقات فراغت و میزان اعتماد اجتماعی افراد به یکدیگر بستگی دارد.

۲) بر حسب زمینه مشارکت

زمینه‌های مشارکت در اداره امور شهرها را می‌توان تحت عناوین زیر طبقه بندی کرد:

۱-۲) فعالیت‌های عمرانی (ایجاد خیابان و کوچه، ایجاد میدان، ایجاد پل و ...)

۲-۲) فعالیت‌های مربوط به محیط زیست (ایجاد فضای سبز و زیباسازی شهر)

۳-۲) فعالیت‌های مربوط به تأمین ایمنی شهر (ایجاد ایستگاه‌های آتش نشانی - رفع خطر از بناها و ...)

۴-۲) فعالیت‌های نظارتی (نظارت بر حسن انجام قوانین و مقررات مربوط به زندگی شهری)

۵-۲) فعالیت‌های مربوط به خدمات شهری (تنظیف معابر و دفع زباله، ارائه خدمات مربوط به غسلخانه و گورستان و ...)

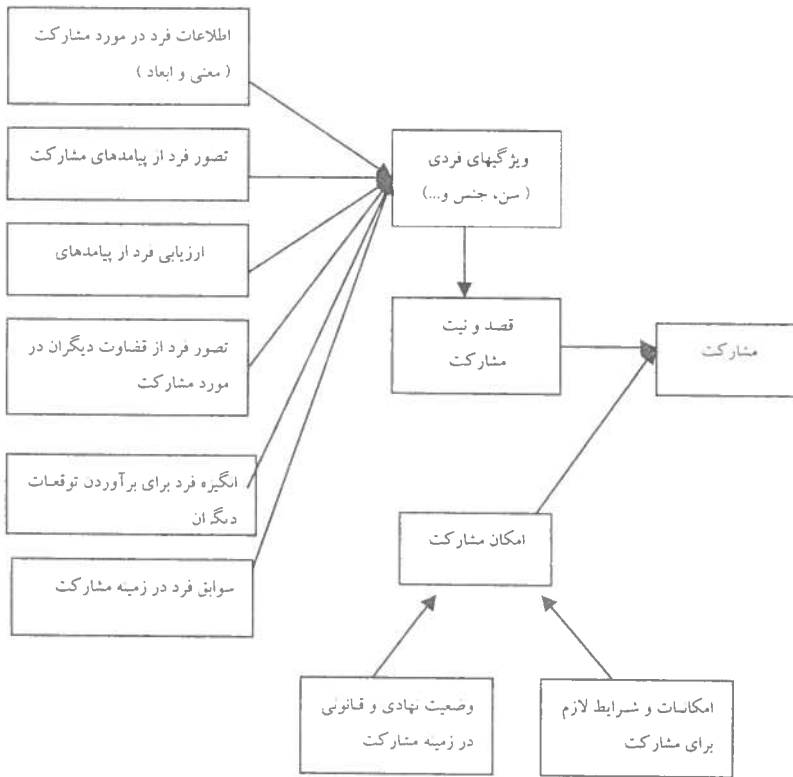
۶-۲) فعالیت‌های مربوط به رفاه اجتماعی (تأسیس فرهنگسراها، تأسیس کتابخانه، ایجاد خانه‌های محله و ...)

۳) بر حسب سازماندهی

بر حسب نوع سازماندهی، در نخستین گام می‌توان دو نوع سازماندهی الگوهای مشارکت را از یکدیگر متمایز ساخت:

در نوع نخست که اساساً تشکلهای خودجوش و خودانگیخته جامعه را شامل می‌شود، سازماندهی بدون توجه به دست آوردهای دانش جدید مدیریت صورت گرفته و مبتنی بر تجربیات شخصی و سنن اجتماعی است. در این نوع سازماندهی، روابط بیشتر رودررو و پیوندها بیشتر عاطفی است و از این رو دوام و پایداری بیشتری از خود نشان می‌دهد، اما امکان استفاده بهینه از منابع پایین می‌باشد. در نوع دوم که تشکلهای رسمی یا نسبتاً رسمی و برانگیخته را شامل می‌شود، سازماندهی بر مبنای دستاوردهای متون مدیریتی جدید و با هدف حداکثر کارایی صورت می‌پذیرد. رسمیت روابط فی مابین در این نوع سازماندهی ممکن است به کاهش علائق و پیوندهای عاطفی بیانجامد اما کارایی را افزایش داده، سرعت و نظم امور را بالا می‌برد.

با بررسی مبانی نظری و الگوهای مدیریت شهری، مجموعه عوامل موثر بر میزان مشارکت و نحوه تأثیرگذاری آنها را می‌توان به صورت شکل زیر نشان داد.



شکل ۱: عوامل موثر بر میزان مشارکت افراد

روش شناسی تحقیق

جامعه تحقیق عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا اشیا بی که دارای ویژگی‌های همگون، مشترک و قابل اندازه‌گیری می باشد (نادری و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۴۱). در تحقیق حاضر دو جامعه بررسی می شود: کارکنان شهرداری و شهروندان ارومیه. سازمان شهرداری ارومیه مشتمل بر سه منطقه و کل پرسنل حاضر در آن ۱۴۵۵ نفر می باشد که از این تعداد ۱۱۳۲ نفر کارگر ساده و ۳۲۳ نفر کارمند دفتری و اداری می باشند. از آنجایی که کارگران ساده و بی سواد و یا حداکثر دارای تحصیلات ابتدایی بوده و نیز به طور کامل با اهداف و وظایف آشنا نبودند، تصمیم گرفته شد که جامعه آماری تحقیق

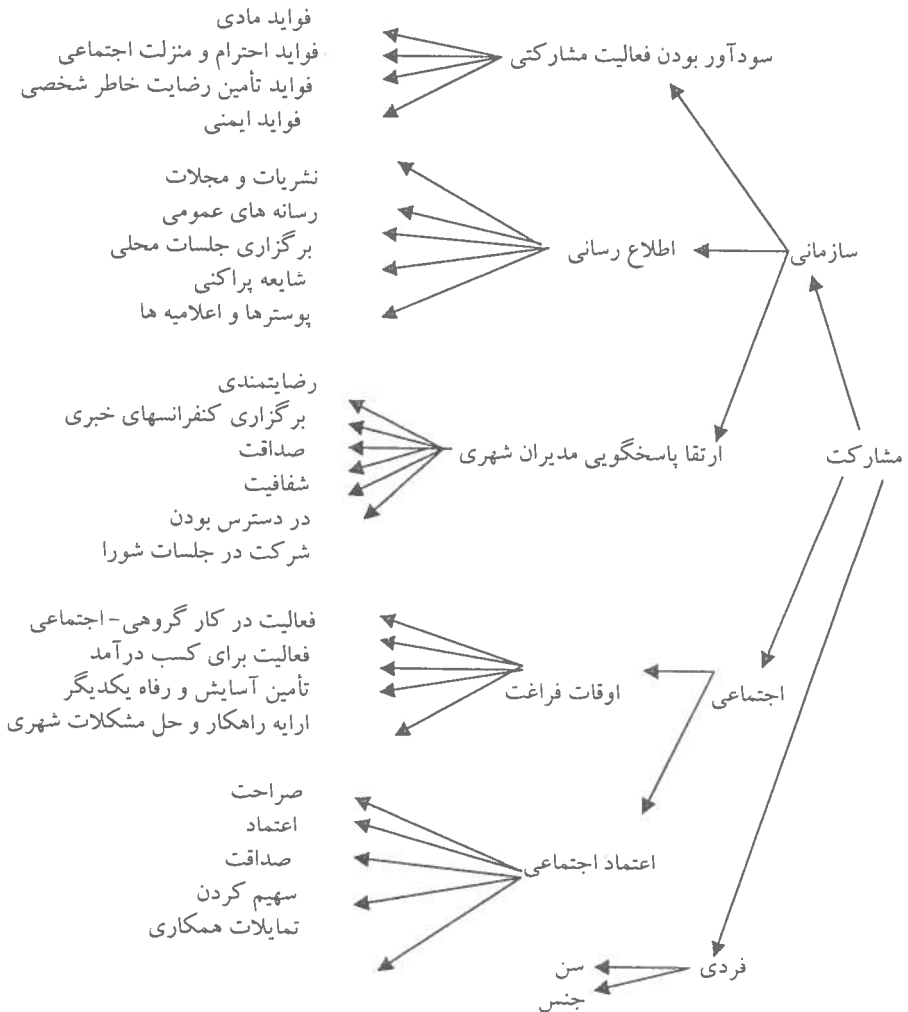
متشکل از کارکنان دفتری و اداری شهرداری باشد، زیرا که آنها به طور کامل با اهداف شهرداری آشنا بودند. پس اولین جامعه آماری تحقیق، کارکنان دفتری و اداری شهرداری است. تعداد آنان ۳۲۳ نفر می‌باشد. البته از این تعداد، ۱۲۴ نفر در منطقه یک، ۹۶ نفر در منطقه دو و ۱۰۳ نفر در منطقه سه مشغول می‌باشند. دومین جامعه آماری تحقیق حاضر شهروندان می‌باشند که در این تحقیق در قالب خانوارها مورد بررسی قرار می‌گیرند. جمعیت ارومیه براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۴۳۵۲۰ و تعداد خانوارهای نقاط شهری در همین سال ۱۰۰۵۳۱ خانوار می‌باشد. اما از آنجایی که آمارهای فوق به دلیل گذشت زمان از اعتبار چندانی برخوردار نیستند، لذا در این تحقیق برآوردهایی را که کارشناسان مرکز آمار تا سال ۱۳۸۴ داشته‌اند، استفاده شده است. طبق برآوردهای کارشناسان در سال ۱۳۸۴ جمعیت ارومیه، بالغ بر ۵۸۱۰۹۱ نفر و تعداد خانوارها در همین سال ۱۴۹۴۷۸ خانوار می‌باشد. توزیع مکانی خانوارها در سطح شهر بدین صورت می‌باشد که در منطقه یک ۵۴۱۶۳ خانوار، منطقه دو ۴۵۵۲۱ خانوار و منطقه سه ۴۹۷۹۴ خانوار زندگی می‌کنند. با استفاده از فرمول آماری از جامعه اول یعنی کارکنان شهرداری (از ۳۲۳ نفر) ۱۵۰ نفر و از جامعه آماری دوم یعنی خانوارها (از ۱۴۹۴۷۸ خانوار) تعداد ۳۰۰ خانوار به عنوان حجم نمونه تعیین شد.

همان طور که گفته شد، در این تحقیق، حجم نمونه آماری کارکنان ۱۵۰ نفر در نظر گرفته شد که از هر منطقه ۵۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید. محقق جهت احتمال عدم بازگشت برخی از پرسشنامه‌ها، تعداد ۱۷۰ پرسشنامه توزیع کرده است که در نهایت همان ۱۵۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای توزیع پرسشنامه‌های دو جامعه هم از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شده است پرسشنامه‌ها به نسبت کارکنان و خانوارهایی که در هر منطقه شهرداری وجود داشتند، توزیع گردید.

مدل تحلیلی تحقیق

مدل تحلیلی یک مجموعه ساختارمند و مرکب از مفاهیم و فرضیه‌های متصل به یکدیگر است. به عبارتی دیگر این مدل از مفاهیم و فرضیه‌هایی که میانشان ارتباط تنگاتنگی برقرار است، ساخته شده است و مجموعاً چارچوب منسجم و وحدت یافته‌ای را تشکیل می‌دهد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱).

تفصیل مفاهیم، ابعاد و شاخص های اندازه گیری پژوهش بطور دقیق و کامل در نمودار شماره ۲ ذکر شده است:



نمودار شماره ۲: الگوی تحلیلی پژوهش (دربرگیرنده مفاهیم اصلی، ابعاد، مولفه ها و شاخص ها)

یافته‌های پژوهش

در مورد اطلاع رسانی برای مشارکت هم، شهروندان معتقدند که اطلاع رسانی بر مشارکت شهروندان در امورات شهری موثر می باشد و هر اندازه که شهروندان از موضوعات مختلف شهری آگاهی داشته باشند، مشارکت آنان هم در آن موارد بیشتر خواهد بود و بهتر می توانند نکته نظرات خود را در آن موارد بیان کنند. کارکنان هم اطلاع رسانی به شهروندان در مشارکت آنان موثر می دانند و معتقدند هر زمان اطلاع رسانی به شهروندان به خوبی انجام گرفته است، مشارکت آنان هم در آن مورد بیشتر بوده است. اما بین نظرات شهروندان و کارکنان شهرداری در این مورد اختلاف وجود دارد. به این صورت که شهروندان اطلاع رسانی و آگاهی در مورد مسائل شهری را بیشتر از کارکنان در مشارکت خود موثر دانسته اند و در این میان کارکنان اهمیت این امر را کمتر از شهروندان ارزیابی کرده اند و به دنبال آن توجه کمتری هم در زمینه اطلاع رسانی به شهروندان داشته اند.

نتیجه‌ای که در مورد اعتماد اجتماعی مردم بدست آمده، به این ترتیب می باشد که اغلب شهروندان افزایش اعتماد اجتماعی بین یکدیگر را در مشارکت خود در فعالیت‌های شهری مؤثر می دانند و به عبارتی شهروندان در صورتی که به اطرافیان خود از اطمینان و اعتماد کافی برخوردار باشند، تمایل بیشتری به مشارکت در امور مختلف خواهند داشت. همچنین در این مورد، کارکنان نیز اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه را مؤثر در مشارکت آنها دانسته اند و بر این باور بوده اند که وجود اعتماد در بین افراد می تواند در مشارکت آنان تأثیر بگذارد. اما در این میان، بین نظرات کارکنان و شهروندان اختلاف قابل توجهی مشاهده می شود، به عبارتی دیگر شهروندان تأثیر این عامل را خیلی بیشتر از کارکنان در مشارکت خود می دانند.

پنجمین نتیجه از این پژوهش عبارت از این است که شهروندان پاسخگویی مدیران شهری در قبال عملکردهایشان را بسیار مؤثر در میزان مشارکت خود دانسته اند و معتقد بودند که هر زمان مسئولین شهری نتایج عملکردهایشان را به عهده گرفته و مسئولیت پاسخگویی آن را بر عهده گرفته اند، شهروندان هم به مشارکت بیشتر در امورات شهری تشویق شده اند. از طرفی دیگر کارکنان هم پاسخگویی مدیران شهری را در افزایش مشارکت شهروندان مثبت و مؤثر ارزیابی کرده اند و آنها نیز مسئولیت پذیری در قبال عملکرد را برای

اعتمادسازی بین شهروندان که در نهایت منجر به افزایش مشارکت آنان خواهد شد، مؤثر تلقی کرده‌اند.

البته در این زمینه اختلاف فاحشی بین نظرات شهروندان و کارکنان مشاهده می‌شود. به عبارتی پاسخگویی مدیران برای شهروندان بسیار مهم تر و مؤثر می‌باشد و آنها حساسیت این موضوع را بیشتر از کارکنان دانسته و اهمیت آن را بسیار مهم در مشارکت خود تلقی می‌نمایند.

در پایان این قسمت نتایجی که از دو گروه کارکنان و شهروندان در زمینه اولویت و اهمیت هر یک از عوامل فوق بدست آمده است، ذکر می‌گردد.

از دید شهروندان از بین تمامی عوامل مؤثر در مشارکت، پاسخگویی مدیران شهری در قبال عملکردهایشان بیشترین اهمیت را داراست. افزایش اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، اطلاع رسانی به شهروندان، سودآور بودن فعالیت مشارکتی و میزان اوقات فراغت شهروندان، هر کدام به ترتیب از دید شهروندان حائز اهمیت و مؤثر در مشارکت می‌باشند. از دید کارکنان نیز سودآور بودن فعالیت مشارکتی، بیشترین تأثیر را بر روی مشارکت شهروندان دارد و از اهمیت بالایی در بین سایر عوامل برخوردار است. اطلاع رسانی به شهروندان، پاسخگویی مدیران شهری، افزایش اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر و در نهایت میزان اوقات فراغت شهروندان، به ترتیب از اولویت های بعدی می‌باشند. میزان اهمیت هر یک از عوامل از دید کارکنان و شهروندان به ترتیب در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: میزان اهمیت عوامل مؤثر بر مشارکت از دید شهروندان و کارکنان

کارکنان	شهروندان
(۱) سودآور بودن فعالیت مشارکتی	(۱) پاسخگویی مدیران شهری
(۲) اطلاع رسانی به شهروندان	(۲) افزایش اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر
(۳) پاسخگویی مدیران شهری	(۳) اطلاع رسانی به شهروندان
(۴) افزایش اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر	(۴) سودآور بودن فعالیت مشارکتی
(۵) میزان اوقات فراغت	(۵) میزان اوقات فراغت

جدول ۲: شاخصهای توصیفی گروه نمونه در کل پرسشنامه

تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	شاخصهای توصیفی گروه
۳۰۰	۴,۶	۶۰,۲۴	شهروندان
۱۵۰	۶,۲۹	۵۴,۳۵	کارمندان
۴۵۰	۵,۹	۵۸,۲۸	کل نمونه

در ادامه بررسی جدول فوق شاخصهای توصیفی میانگین و انحراف استاندارد کل نمونه در هر یک از زیرمقیاسها را آورده ایم. به عنوان مثال در زیر مقیاس سودآور بودن میانگین و انحراف استاندارد گروه نمونه به ترتیب ۱۱,۲۸ و ۱,۷ می باشد در زیرمقیاس میزان اوقات فراغت نیز میانگین و انحراف استاندارد گروه نمونه به ترتیب ۷,۲۹ و ۱,۴۲ می باشد همین شاخصها برای سایر زیرمقیاسها نیز در جدول آمده است.

جدول ۳: شاخصهای گروه نمونه در هر یک از زیرمقیاسها

تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	شاخصهای توصیفی گروه
۴۵۰	۱,۷۳	۱۱,۲۸	سودآور بودن
۴۵۰	۱,۴۲	۷,۲۹	اوقات فراغت
۴۵۰	۲,۱۳	۱۵,۶۴	اطلاع رسانی
۴۵۰	۱,۷۸	۱۱,۹۷	اعتماد اجتماعی
۴۵۰	۱,۹۳	۱۲,۱	ارتقاء پاسخگویی

در ادامه به منظور توصیف بیشتر گروه نمونه شاخصهای توصیفی مربوط به شهروندان و کارمندان در هر یک از زیر مقیاسها به صورت جداگانه در جدول ۴ آمده است. به عنوان مثال در زیر مقیاس سودآور بودن میانگین و انحراف استاندارد گروه شهروندان به ترتیب ۱۱,۴۲ و ۱,۵۶ می باشد و میانگین و انحراف استاندارد گروه کارکنان نیز به ترتیب ۱۱ و ۲,۰۱ می باشد برای سایر مقیاسها نیز همین اطلاعات در جدول آمده است.

جدول ۴: شاخصهای توصیفی گروه شهروندان و کارمندان به طور جداگانه

تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	وضعیت	شاخصهای توصیفی
				گروه
۳۰۰	۱,۵۶	۱۱,۴۲	شهروندان	سودآور بودن
۱۵۰	۲,۰۱	۱۱	کارمندان	
۳۰۰	۱,۳	۷,۳۶	شهروندان	اوقات فراغت
۱۵۰	۱,۶۳	۷,۱۴	کارمندان	
۳۰۰	۱,۷۳	۱۶,۱۶	شهروندان	اطلاع رسانی
۱۵۰	۲,۴۵	۱۴,۶۱	کارمندان	
۳۰۰	۱,۴۷	۱۲,۵۲	شهروندان	اعتماد اجتماعی
۱۵۰	۱,۸۳	۱۰,۸۵	کارمندان	
۳۰۰	۱,۴۴	۱۲,۷۵	شهروندان	ارتقاء پاسخگویی
۱۵۰	۲,۰۷	۱۰,۷۵	کارمندان	

در ادامه به منظور پاسخ دادن به هر یک از سوالات این تحقیق ابتدا نظر هر یک از گروه‌های کارمندان و شهروندان را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس با استفاده از آزمون T مستقل نظر این دو گروه با هم مقایسه می‌شود.

سوال اول: آیا سودآور بودن فعالیت مشارکتی بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مؤثر است؟

- مقایسه نظر ۲ گروه شهروندان و کارمندان در مورد سوال اول با استفاده از آزمون T مستقل: همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد از آنجا که سطح معنی داری جدول از میزان آلفا که ۰,۰۵ است کوچکتر است پس می‌توان فرض صفر را مبنی بر عدم اختلاف بین میانگین دو گروه رد کرد و نتیجه گرفت که بین میانگین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. به این معنی که میانگین شهروندان به طور معنی داری بزرگتر از میانگین کارمندان است و می‌توان گفت که شهروندان با این موضوع موافق تر از کارمندان بوده‌اند.

جدول ۵: آزمون T مستقل برای مقایسه نظر دو گروه در زیرمقیاس سودآور بودن

شاخصها / گروهها	میانگین ها	انحراف استاندارد	آزمون T	درجه آزادی	سطح معنی داری
					۰,۰۰۸
شهروندان	۱۱,۴۲	۱,۵۶	۲,۴۴	۴۴۸	۰,۰۰۸
کارمندان	۱۱	۲,۰۱			

سوال دوم: آیا میزان اوقات فراغت بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مؤثر است؟ با توجه به جدول ۶ چون سطح معنی داری جدول ۰/۰۷۷ از آلفای ۰/۰۵ بزرگتر است پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین این دو میانگین تفاوت معنی داری وجود ندارد به عبارت بهتر می‌توان نتیجه گرفت که نظر این دو گروه در این زمینه تفاوت معنی داری با هم ندارند.

جدول ۶: آزمون T مستقل برای مقایسه نظر دو گروه شهروندان و کارمندان برای زیر مقیاس اوقات فراغت

شاخصها / گروهها	میانگین ها	انحراف استاندارد	آزمون T	درجه آزادی	سطح معنی داری
					۰/۰۷۷
شهروندان	۷/۳۶	۱/۳	۱/۵۸	۴۴۸	۰/۰۷۷
کارمندان	۷/۱۴	۱/۶۳			

سوال سوم: آیا توجه به امر اطلاع رسانی به شهروندان بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مؤثر است؟ با توجه به جدول ۷ چون سطح معنی داری جدول ۰,۰۰۰ از آلفای ۰/۰۵ کوچکتر است پس می‌توان فرض صفر را رد کرد و نتیجه گرفت که بین میانگین دو گروه در این زیر مقیاس تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که میانگین شهروندان بزرگتر از میانگین کارمندان است. به عبارتی آنها با این امر که اطلاع رسانی به شهروندان بر مشارکت در اداره امور شهر مؤثر است موافقت از کارمندان می‌باشند.

جدول ۷: آزمون T مستقل برای مقایسه نظر دو گروه شهروندان و کارمندان در زیر مقیاس اطلاع رسانی

شاخصها / گروهها	میانگین ها	انحراف استاندارد	آزمون T	درجه آزادی	سطح معنی داری
شهروندان	۱۶/۱۶	۱/۷۳	۷/۷۷۱	۴۴۸	۰/۰۰۰
کارمندان	۱۴/۶۱	۲/۴۵			

سوال چهارم: آیا افزایش اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مؤثر است؟

با توجه به نتایج جدول ۸ چون سطح معنی داری جدول ۰،۰۰۰ از آلفای ۰،۰۵ کوچکتر است پس می توان فرض صفر را رد کرد و نتیجه گرفت که بین میانگین دو گروه اختلاف معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر در زیرمقیاس افزایش اعتماد اجتماعی، شهروندان موافق تر از کارمندان بوده اند که افزایش اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مؤثر است.

جدول ۸: آزمون T مستقل برای مقایسه دو گروه در زیرمقیاس افزایش اعتماد اجتماعی

شاخصها / گروهها	میانگین ها	انحراف استاندارد	آزمون T	درجه آزادی	سطح معنی داری
شهروندان	۱۲/۵۲	۱/۴۷	۱۰/۴۵	۴۴۸	۰/۰۰۰
۸	۱۰/۸۵	۱/۸۳			

سوال پنجم: آیا ارتقاء پاسخگویی مدیران شهری بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مؤثر است؟

نتایج جدول ۹ نشان می دهد که سطح معنی داری به دست آمده در جدول ۰/۰۰۰ از آلفای ۰/۰۵ کوچکتر است پس نتیجه می گیریم که بین میانگین دو گروه شهروندان و کارمندان در این زمینه اختلاف معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر می توان گفت که شهروندان در این زمینه موافق تر از کارمندان بوده اند.

جدول ۹: آزمون T مستقل برای مقایسه نظر دو گروه در زیرمقیاس ارتقاء پاسخگویی

سطح معنی داری	درجه آزادی	آزمون T	انحراف استاندارد	میانگین ها	شاخصها
					گروهها
۰/۰۰۰	۴۴۸	۱۲/۰۳	۱/۴۴	۱۲/۷۷	شهروندان
					کارمندان

نتیجه گیری

برای پاسخگویی به سوال اول با توجه به نتایجی که از پرسشنامه به دست آمده است، اغلب شهروندان معتقد بودند که سودآور بودن فعالیت مشارکتی بر مشارکت آنان مؤثر است. یعنی در صورتی که پاداشی برای حمایت مشارکتی آنان در نظر گرفته شود، شهروندان بیشتر در فعالیت‌های شهری مشارکت خواهند کرد. همچنین کارکنان نیز سودآور بودن فعالیت‌های مشارکتی را در مشارکت کارکنان مؤثر دانسته اند، یعنی آنها هم معتقدند در صورتی می توان شهروندان را به مشارکت در فعالیت‌های شهری تشویق کرد که پاداشی را برای آنها به این منظور در نظر گرفت و آنها را از نتایج فعالیت‌های خود بهره‌مند ساخت. اما در این بین، نظرات شهروندان با کارکنان تا حدی دارای اختلاف است. بدین معنی که شهروندان امر سودآور بودن فعالیت مشارکتی را بیشتر از کارکنان در مشارکت خود مؤثر دانسته‌اند و نظر کارکنان در این مورد پایین تر از نظرات شهروندان است و آنها تأثیر این امر را کمتر از شهروندان در مشارکت مؤثر دانسته اند.

برای پاسخگویی به سوال دوم (اوقات فراغت) با توجه به تحلیل داده ها، شهروندان میزان اوقات فراغت را در مشارکت خود در فعالیتهای شهری مؤثر دانسته اند. یعنی در صورتی که شهروندان از اوقات فراغت بیشتری برخوردار باشند، مشارکت آنان هم در فعالیت‌های شهری افزایش می یابد، همچنین کارکنان هم میزان اوقات فراغت را در مشارکت شهروندان مؤثر دانسته اند و از دید آنها هم افزایش میزان اوقات فراغت در مشارکت شهروندان مؤثر خواهد بود. البته در این مورد شهروندان با کارکنان تا حد زیادی با یکدیگر هم عقیده اند و تفاوت چندانی در نظرات آنها مشاهده نمی شود.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش، پیشنهاد‌های زیر برای بهبود مشارکت شهروندان در فعالیتهای شهری ارائه می گردد..

۱) گسترش فرهنگ مشارکتی در ساختار مدیریت شهری: نخستین دلیل نهادی نشدن فرهنگ مشارکت، ساختار جامعه است که در راه ظهور مشارکت، مانع ایجاد می کند. در ساختار جامعه ما، طبقات بالای جامعه قدرت را قبضه کرده اند و در برابر هر اقدامی برای تقسیم آن مخالفت می ورزند. لذا برای گسترش مشارکت ابتدا باید فرهنگ آن را در بین تمامی افراد گسترش داد و افرادی که در جامعه قدرت را در دست دارند باید بپذیرند که مردم هم در آن سهم هستند و حق دارند که در تصمیم گیری و نتایج آن سهم باشند.

۲) تقسیم عادلانه درآمد و دادن امکانات و تسهیلات مادی به شهروندان: چنانچه مردم به امکانات مالی و اختیارات لازم برای اجرای طرحهای خاص خود دسترسی نداشته باشند، مشارکت به سرعت جای خود را به بی علاقهگی خواهد داد. چنانچه انتظار داشته باشیم فعالیتهای مشارکت، کارکرد اجتماعی مفیدی هم برای مردم و هم برای مسئولان داشته باشد، باید ترتیبات مالی منظمی تدارک دید و در بخش خدمات عمومی، صنعت و تعاونیها آن را نهادینه کرد تا فرایند مشارکت ماندگار و دوام پذیر شود.

۳) اصلاح ساختار قانونی و حذف محدودیت‌های قانونی برای تسهیل در مشارکت شهروندان: از آنجایی که مشارکت شهروندان بیشتر در قالب تشکلهای و سازمان‌های غیردولتی (NGO)، تجلی پیدا می کند، لذا باید موانع قانونی موجود بر سر راه رشد و گسترش این نهادها از بین برود و این نهادها بتوانند آزادی بیان داشته باشند و با هر کس که بخواهند ارتباط برقرار کنند. اصلاح ساختار قانونی باید در تمام زمینه‌های تأسیس، صدور مجوز، دامنه فعالیت و... انجام پذیرد.

۴) ارائه برنامه‌های آموزشی به شهروندان در زمینه‌های مختلف شهری و ایجاد همدلی بین آنها از این طریق: آموزش از مقولات بسیار مهمی است که بوسیله آن می توان نحوه مشارکت را به شهروندان آموخت و نیز از این طریق می توان با یاد دادن مفاهیم مشترک به شهروندان، زمینه ایجاد همدلی بین آنان را فراهم آورد که در نهایت منجر به تسهیل

مشارکت آنان می گردد. آموزش می تواند از طریق تشکیل کارگاهها، آموزشهای ضمن خدمت، دوره های آموزشی کوتاه مدت و... انجام پذیرد.

۵) اعمال مدیریت مشارکتی در مدیریت شهرداری: منظور از مدیریت مشارکتی بوجود آوردن فضا و نظامی توسط مدیریت است که در آن تمام کارکنان و شهروندان در روند تصمیم سازی، تصمیم گیری و حل مشکلات شهری با مدیریت همکاری و مشارکت نمایند. تأکید اصلی این نوع مدیریت بر همکاری و مشارکت داوطلبانه کارکنان و شهرداری است و موجب می شود تا ایده ها، پیشنهادها، ابتکارات، خلاقیتها و توان فنی و تخصصی شهروندان در حل مسائل و مشکلات شهری مورد استفاده قرار گیرد.

۶) الزام مسئولین و مدیران شهری به پاسخگویی به شهروندان : پاسخگویی مدیران شهری از اهمیت بالایی در مشارکت شهروندان دارد و مسئولین باید توجه زیادی به این امر داشته باشند. این مقوله می تواند در قالب برگزاری کنفرانس های خبری از سوی مسئولین، دعوت از مردم برای شرکت در جلسات شورای شهر و استماع سخنان اعضای شورا و شهردار، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور شهروندان و... امکان پذیر است. از آنجایی که این مقوله در اولین اولویت شهروندان برای مشارکت می باشد (در حالی که برای کارکنان از اولویتهای بعدی می باشد) لذا باید مدیران شهری تلاش بیشتری در زمینه مسؤولیت پذیری و پاسخگویی در قبال عملکردشان از خود نشان بدهند.

۷) به شهروندان درباره مسائل شهری و مخاطرات احتمالی آن باعث می شود تا شهروندان به مسائل پیرامون خود حساس شوند. برای اینکه اطلاع رسانی به شهروندان در سطح شهر به خوبی انجام پذیرد، شهرداری می تواند با توزیع رایگان اعلامیه ها و پوسترهای تبلیغاتی در رابطه با طرحهای در دست اجرا در سطح شهر، شهروندان را از این موضوع آگاه سازد و متعاقباً می تواند نظرات و عکس العملهای آنان را از طریق سیستم پیشنهادات دریافت کند. گسترش بولتن ها و روزنامه های خبری از سوی شهرداری، دعوت از نخبگان و اساتید دانشگاهها در جلسات شورای شهر و استفاده از نظرات آنها می تواند در زمینه آگاهی شهروندان از مسائل شهری و در نهایت ایجاد حساسیت در آنها در قبال این مسائل، مثرثمر واقع شود.

۸) برای ایجاد حساسیت بین شهروندان در مورد موضوع خاص، متوجه ساختن آنان به این که نتایج و پیامدهای آن موضوع متوجه به خود آنان می شود، بسیار مثرتر می باشد. به عبارتی هر زمان شهروندان احساس کنند که نفعی در مورد خاص متوجه آنان می باشد، نسبت به آن حساس می شوند. حال شهرداری می تواند از طریق دادن پاداشهای مادی به شهروندان در قبال پیشنهاداتی که به سازمان ارائه می دهند و یا از طریق سهم کردن شهروندان در مالکیت طرحها می تواند از مشارکت آنان بهره مند گردد. نتیجه ای که این امر بدنبال خواهد داشت این است که شهروندان این طرحها را از آن خود دانسته و در هر چه بهتر نتیجه دادن طرحها تلاش و همکاری لازم را با شهرداری خواهند داشت و در ضمن مقاومتی هم در قبال اجرای طرح ها از خود نشان نخواهند داد.

۹) اوقات فراغت شهروندان هم بستری را فراهم می آورد تا شهروندان فارغ از گرفتاریهای شخصی به مسائل و مشکلات شهری توجه نمایند و گاهی هم در جهت رفع آنها اقدامی را انجام دهند. حال شهرداری می تواند با انجام برنامه ریزی دقیق برای اوقات فراغت شهروندان بهره لازم را از آن ببرد.

سازمان شهرداری می تواند با تنظیم مراسمات مختلف در قالب جشنواره ها، فستیوالها و... در زمان اوقات فراغت شهروندان، آنها را دور هم جمع کرده و در آنجا از پتانسیل عظیم مردمی به نحوی که مدنظر خود است، استفاده نماید.

همچنین شهرداری می تواند با به اجرا در آوردن طرحهای مختلف از جمله نظافت محله و... در ایام تعطیل و با دعوت از شهروندان برای مشارکت در آن طرح ها در آن ایام، به اهداف خود به نحو احسن دست یابد.

همچنین موضوعاتی که در ذیل می آید، می تواند از سوی محققین بعدی به بوته آزمایش و بررسی گذاشته شود:

۱) بررسی میزان اثربخشی سازمانهای غیردولتی (NGO)ها در بهبود کیفیت خدمات شهری.

۲) بررسی وضعیت ساختارهای بوروکراتیک، سیاسی و قانونی سازمان شهرداری و ارتباط آن با عدم مشارکت شهروندان.

۳) بررسی موانع و مشکلات موجود بر سر راه مشارکت شهروندان.

۴) بررسی میزان اثربخشی طرح تکریم ارباب رجوع در سازمان شهرداری

منابع و مآخذ:

- ۱- آذر، عادل و منصور مومنی (۱۳۷۷)، آمار و کاربرد آن در مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)، جلد دوم
- ۲- آقا عظیمی، علی (۱۳۸۰)، "کاربرد مشارکت مردمی در فرایند برنامه ریزی و مدیریت شهری"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده شهرسازی و معماری
- ۳- اطهاری، کمال (۱۳۷۹)، مشارکت شهروندان در اداره شهر، ماهنامه شهرداریها، سال دوم، شماره ۱۶
- ۴- اوپنهام، پ، ان (۱۳۷۹)، طرح سنجش پرسشنامه ها و سنجش نگرشها، مترجم مرضیه کریم نیا، تهران: معاونت آستان قدس رضوی
- ۵- اوکلی، پتر و دیوید مارسدن (۱۳۷۰)، رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی، مترجم: منصور محمودنژاد، تهران: وزارت جهاد کشاورزی
- ۶- بازرگان، عباس و زهره سرمد واله حجازی (۱۳۷۶)، روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگاه
- ۷- بست، جان (۱۳۶۹)، روشهای تحقیق در علوم رفتاری، مترجم حسن پاشا شریفی، تهران: انتشارات رشد
- ۸- پالچین داغ، سلجوق (۱۳۸۰)، بررسی و مقایسه سازمانهای محلی در کشورهای آلمان فدرال و ترکیه، ترجمه علیرضا میری، استانداری همدان: بی تا
- ۹- ترابی، علیرضا (۱۳۸۲)، مدیران فارغ از اوقات فراغت شهروندان، ماهنامه شهرداریها، سال چهارم، شماره ۵
- ۱۰- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۱)، اقتصاد بخشی عمومی (۲)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- ۱۱- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸)، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، تهران: مرکز تحقیقات علمی کشور، انتشارات درایت
- ۱۲- خلیلی، ناصر و ابراهیم دانشوری (۱۳۷۸)، روش تحقیق و کاربرد آن در مدیریت، تهران: نشر آذین.
- ۱۳- دری نوگورانی، حسین (۱۳۶۹)، "مشارکت در فعالیتهای اقتصادی- تحلیلی بر مفاهیم و روشها"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، دانشکده اقتصاد

- ۱۴- دلاور، علی (۱۳۸۴)، روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.
- ۱۵- راضی، حسین (۱۳۴۳)، "تأثیر شرکت مردم در اداره امور شهر"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت
- ۱۶- رستمی، کاظم (۱۳۸۲)، "نقش مشارکتهای مردمی در توسعه روستایی، با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی
- ۱۷- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲)، سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی
- ۱۸- رئوفی، عبدالرضا (۱۳۵۹)، "تحقیقی پیرامون میزان و نحوه مشارکت مردم در اداره امور محلی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت
- ۱۹- نادری، عزت... و مریم سیف نراقی (۱۳۷۵)، روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران: انتشارات بدر
- ۲۰- نادری، عزت... و مریم سیف نراقی و فرنگیس شاهپوریان (۱۳۷۶)، راهنمای عملی فراهم سازی طرح تحقیق. تهران: انتشارات بدر
21. Bomber, Michael (1996), *The Role of community participation in development planning and project management*, The World Bank, Washington.
22. "Beyond shelter, Building communities of opportunity", (1996) the United States Report for Housing and urban development.
23. "Human settlements, development and policy National report Germany" (1996), Habitatll, *Federal ministry for Regional planning, Building and urban development*, Bonn.
24. "Local Government in Britain", (1998) Reference division central office of information
25. Poul, Samoel (2001), *Community participation in development projects*. The world bank, Washington.D.C.U.S.A.
26. The future of settlements, Good policy can make difference, (2002), United Nations conference on human settlements, Istanbul, Turkey.